

فینکلشتاین در صنعت هولوکاست، به سوءاستفاده رژیم از این فاجعه پرداخته است

یک بار قربانی، همیشه طلبکار!



محمدعلی یزدانیار

نورمن فینکلشتاین که معرف حضورتان هست؟ استاد سال‌ها پیش کتابی نوشتند به نام «صنعت هولوکاست»، این کتاب همان اوایل به فارسی هم ترجمه شد که ای کاش نمی شد! در این شماره به معرفی این کتاب پرداخته‌ام؛ با این امید که روزی این کتاب به جایگاهی که واقعاً شایستگی‌اش را دارد برسد.

کمی درباره نویسنده کتاب

قبلاً یک شماره را به معرفی فینکلشتاین اختصاص داده بودم، اما به هر حال ممکن است آن شماره را مطالعه نکرده باشید، بنابراین بد نیست بدانید نورمن گری فینکلشتاین پژوهشگر علوم سیاسی و نویسنده آمریکایی است که در ۸ دسامبر ۱۹۵۳ در نیویورک به دنیا آمد. او فرزند دو بازمانده هولوکاست است؛ مادرش از گتو ورشو و اردوگاه ماجدانک جان سالم به دربرد و پدرش در آشویتس زندانی بود. تحصیلات آکادمیک فینکلشتاین دکترای علوم سیاسی از دانشگاه پرینستون است و در طول دوره تدریس، در چند دانشگاه آمریکایی فعالیت کرده است؛ بروکلین کالج، دانشگاه رانگز، کالج هانتز، دانشگاه نیویورک و دوپال. در سال ۲۰۰۷، پس از جنجال بر سر اعطای استادی دتم در دانشگاه دوپال، او مجبور به استعفا شد. زمینه فکری و شخصی فینکلشتاین به شدت تحت تأثیر سابقه خانوادگی او قرار دارد؛ تجربه پدر و مادرش در هولوکاست، نقطه شروع توجه او به مسائل مثل عدالت تاریخی، بهره‌برداری از رنج قربانیان و سوءاستفاده از تروماهای جمعی است. او در کارهایش نه تنها به تحلیل هولوکاست پرداخته، بلکه به بررسی منازعه فلسطین- رژیم اسرائیل نیز مشغول بوده و مواضعی انتقادی نسبت به سیاست‌های رژیم اسرائیل دارد. از مشهورترین کتاب‌های او یکی همین «صنعت هولوکاست» است که در این شماره به آن می‌پردازم.

صنعت هولوکاست در مورد چیست؟

در کتاب صنعت هولوکاست، فینکلشتاین به این موضوع می‌پردازد که یک «صنعت هولوکاست» شکل گرفته است؛ شبکه‌ای از نهادها، سازمان‌های یهودی و گروه‌های لابی‌گر که از یادبود و رنج قربانیان هولوکاست برای اهداف مالی و سیاسی بهره می‌برند. او ادعا می‌کند بخش قابل توجهی از غرامت‌های دریافت‌شده از دولت‌ها و بانک‌های اروپایی، از جمله پرونده بانک‌های سوئیسی، به جای توزیع شفاف میان بازماندگان، صرف هزینه‌های اداری، پروژه‌های آموزشی و فرهنگی و فعالیت‌های لابی‌گری شده است. او همچنین نشان می‌دهد هولوکاست به عنوان یک «سپر ایدئولوژیک» به کاررفته و روایت خاصی از آن در برخی نهادها و موزه‌ها برای مشروعیت بخشی به سیاست‌های دولت رژیم اسرائیل استفاده می‌شود؛ به نحوی که انتقاد از سیاست‌های رژیم اسرائیل گاهی با «ضدیت بایهودیت» یا «انکار هولوکاست» یکی گرفته می‌شود. فینکلشتاین همچنین هشدار می‌دهد این استفاده ابزاری، پیام اخلاقی و انسانی هولوکاست، شامل درس‌هایی درباره هم‌بستگی انسانی و مقابله با ظلم را تحریف کرده و به یک ابزار سیاسی بدل کرده است.

سوءاستفاده‌های مالی در صنعت هولوکاست

فینکلشتاین در کتاب به تفصیل به جنبه مالی بهره‌برداری از هولوکاست می‌پردازد. او معتقد است برخی سازمان‌ها و نهادهای یهودی بین‌المللی با ادعای نمایندگی بازماندگان هولوکاست، غرامت‌های کلان مالی از دولت‌های اروپایی و بانک‌ها دریافت کرده‌اند؛ اما بخش زیادی از این مبالغ، صرف فعالیت‌های اداری، پروژه‌های فرهنگی، آموزشی و لابی‌گری شده است. یکی از نمونه‌های مورد بحث فینکلشتاین پرونده بانک‌های سوئیسی است که پس از فشارهای سیاسی و رسانه‌ای برای شناسایی و پرداخت غرامت به

بازماندگان، مبالغ عظیمی پرداخت شد؛ اما بخش قابل توجهی از این وجوه صرف نهادهای واسطه و پروژه‌های غیرمستقیم شد و شفافیت کافی در توزیع آن‌ها وجود نداشت. او این فرایند را به نوعی کلاهبرداری دوسویه توصیف می‌کند، زیرا هم فشار بر دولت‌ها و بانک‌ها برای پرداخت بیشتر اعمال می‌شد و هم بازماندگان واقعی سهم محدودی از این منابع داشتند. فینکلشتاین همچنین به نقش سازمان‌هایی مانند World Jewish and Claims Conference در مدیریت و توزیع این غرامت‌ها اشاره می‌کند. نقد او بر این اساس استوار است که این نهادها به جای تمرکز بر عدالت برای بازماندگان، از این منابع برای گسترش نفوذ سیاسی و فعالیت‌های خود بهره برده‌اند.

سوءاستفاده‌های ایدئولوژیک از هولوکاست

فینکلشتاین در کتاب صنعت هولوکاست تأکید می‌کند هولوکاست نه تنها به یک واقعه تاریخی تبدیل شده، بلکه در برخی نهادها و جوامع مختلف عبری درون و بیرون رژیم به «سپر ایدئولوژیک» بدل شده است. او اشاره می‌کند روایت رسمی و رسانه‌ای از هولوکاست، به ویژه در ایالات متحده و در برخی موزه‌ها و سازمان‌های یهودی، برای مشروعیت بخشی به سیاست‌های دولت رژیم اسرائیل و مقابله با نقدهای بین‌المللی به کار می‌رود. به باور فینکلشتاین، این روند باعث می‌شود انتقاد از سیاست‌های رژیم اسرائیل به سرعت با برجسب‌هایی مانند «ضدیت بایهودیت» یا «انکار هولوکاست» تفسیر شود، حتی زمانی که این انتقاد صرفاً سیاسی یا انسانی است. او بر این موضوع اصرار دارد که استفاده ابزاری از هولوکاست موجب تقویت یک روایت منحصربه‌فرد اخلاقی برای سازمان‌ها و دولت‌های همسو با رژیم عبری می‌شود و در نتیجه، پیام‌های انسانی و اخلاقی واقعی هولوکاست، از جمله درس‌های هم‌بستگی، مقابله با ظلم و رنج انسانی، تبدیل به ابزاری برای سپیدشویی اعمال دولت عبری و توجیه کارهای آن‌ها می‌شود.

فینکلشتاین در این کتاب به چه کسانی می‌تازد

فینکلشتاین در کتاب خود به نقد چهره‌ها و نهادهایی می‌پردازد که به باور او، هولوکاست را به صورت ابزاری برای مقاصد شخصی، سیاسی یا ایدئولوژیک به کار گرفته‌اند. او یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها را الی ویزل، نویسنده و فعال مشهور یهودی، می‌داند و استدلال می‌کند خاطرات احساسی و روایت‌های عمومی وی، به ویژه کتاب Night، گاهی به شکل مبالغه‌آمیز و با هدف مشروعیت بخشی به سیاست‌های دولت رژیم اسرائیل ارائه شده‌اند. به باور فینکلشتاین، این نوع

روایت‌سازی باعث می‌شود انتقاد از سیاست‌های رژیم اسرائیل دشوار شود و هرگونه پرسش درباره عملکرد نهادهای سیاسی یا نظامی رژیم اسرائیل با برجسب «ضد یهودیت» یا «انکار هولوکاست» مواجه گردد. علاوه بر این، فینکلشتاین کتاب‌هایی را نقد می‌کند که صحت آن‌ها بعداً مورد تردید قرار گرفت، از جمله Fragments اثر بینجامین ویلکومیرسکی که بعداً مشخص شد بخش‌های قابل توجهی از خاطرات این نویسنده ساختگی بوده و The Painted Bird اثر جری کوسینسکی که در روایت خشونت‌های دوران جنگ جهانی دوم جنبه‌های داستانی و اغراق‌آمیز داشت. او این آثار را مثال‌هایی از چگونگی بهره‌برداری ادبی و رسانه‌ای از رنج قربانیان می‌داند. فینکلشتاین همچنین نهادهایی مانند موزه ملی هولوکاست در واشنگتن را نقد می‌کند و معتقد است این موزه بیش از حد بر قربانیان یهودی تأکید کرده و نقش سایر گروه‌های قربانی، مانند کولی‌ها، قربانیان سیاسی و اقلیت‌های دیگر تحت رژیم نازی، را کم رنگ و حاشیه‌ای نشان داده است. او معتقد است این نوع روایت‌سازی باعث می‌شود تمرکز بر عدالت و شناخت کامل تاریخ قربانیان کاهش یابد و زمینه‌ای برای بهره‌برداری سیاسی و مالی از رنج قربانیان فراهم شود.

واکنش‌ها به کتاب چگونه بود؟

پس از انتشار کتاب در سال ۲۰۰۰، واکنش‌ها به شدت قطبی شد و موجی از حمایت و محکومیت را در سطح جهانی برانگیخت. مخالفان کتاب، به ویژه رسانه‌ها و نهادهای یهودی محافظه‌کار، فینکلشتاین را متهم کردند که با کتاب خود، هولوکاست را سیاسی و ابزاری کرده و به نوعی به گروه‌های انکارکننده هولوکاست سوخت می‌دهد. آن‌ها او را متهم به تحریف تاریخ و ارائه تحلیل‌هایی یک‌جانبه کردند که ممکن است پیام قربانیان واقعی را کم رنگ کند. رسانه‌های مهم مانند The New York Times و The Guardian نقد‌های شدیدی به کتاب نوشتند و برخی مقاله‌نویسان اثر فینکلشتاین را «بحث برانگیز و تحریک‌آمیز» توصیف کردند، در حالی که حتی آن‌ها هم قبول داشتند او هولوکاست را انکار نمی‌کند. از سوی دیگر، گروهی از پژوهشگران، تاریخ‌نگاران و فعالان چپ، کتاب فینکلشتاین را افشاگری مهمی دانستند که به بررسی سوءاستفاده‌های سیاسی و مالی از رنج قربانیان هولوکاست می‌پردازد. برخی تاریخ‌نگاران برجسته، مانند راثول هیلبرگ، ضمن تأیید صحت تاریخی هولوکاست، موضع فینکلشتاین در نقد سوءاستفاده‌ها را قابل قبول دانستند و گفتند بعضی تحلیل‌های او حتی محافظه‌کارانه است.

صنعت یهودی‌سوزی؟

این کتاب یک بار در اوایل دهه ۸۰ به فارسی ترجمه شده که ای کاش نمی‌شد! عنوان کتاب به «صنعت یهودی‌سوزی» برگردانده شده و کتاب از اشتباهات ترجمه‌ای پر است. علاوه بر این، کتاب اصلاً دیده نشد و مورد توجه قرار نگرفت. در حقیقت شکل ترجمه کتاب، خیانتی بود به یکی از بهترین منابعی که در زمینه سوءاستفاده رژیم از هولوکاست منتشر شده است. این کتاب، باید و تأکید می‌کنم باید این بار به شکلی درست و صحیح ترجمه و منتشر شود.

فینکلشتاین در کتاب

خود به نقد چهره‌ها و

نهادهایی می‌پردازد که

به باور او، هولوکاست

را به صورت ابزاری برای

مقاصد شخصی، سیاسی یا

ایدئولوژیک به کار گرفته‌اند

انتشار کتاب، واکنش‌های

زیادی را برانگیخت

